

کلمه‌ی «کنار» با کلمات «لنگر کشتی - طوفانی» تناسب دارد.

با کرم معنایش باید تناسب داشته باشد معنای اول یا دومش؟

با معنای اولیه که با منظور اصلی شاعر نیست، تناسب دارد. کلمه‌ی «کنار» در بیت بالا به معنا نزدیک می‌باشد و اگر با معنای اول «سائل» معنا شود ایهام تناسب است.

مثال: چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب
مهرم به جان رسید و به عیوق برشدم
(۱) خورشید (۲) محبت = ایهام تناسب

کلمه‌ی مهر به معنای خورشید با کلمات آفتاب و عیوق (نام ستاره‌ای) تناسب دارد. پس ایهام تناسب می‌باشد.

زیرنویس ایهام

ایهام تضاد آن است که کلمه‌ای که ایهام دارد با کلمه‌ی دیگر آن بیت یا جمله تضاد دارد.

مثال: ز عهد خشک ملولم کجاست باده‌ی ناب / که بوی باده مدامم دماغ تر دارد

تر: (۱) تر و مرطوب (۲) تازه و شاداب و با کلمه‌ی خشک تضاد دارد.

البته ایهام تضاد در کنکور جایی ندارد فقط به قصد آگاهی بیشتر گفتیم.

موضوع چهاردهم جناس

جناس به دو قسمت تقسیم می‌شود: } الف) تام (همسان)
} ب) ناقص (ناهمسان)

الف) جناس تام: دو کلمه‌ای که در ظاهر عین هم می‌باشند اما با معنای متفاوت

مثال: بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

دو کلمه‌ی گور (گورخر) و گور (قبر)

مثال: پرده‌هایش پرده‌های ما درید

دو کلمه‌ی پرده (موسیقی) و پرده (حجاب و پوشش)

تحصیل باما

دو کلمه بالا (پرده‌هایش و پرده‌هایی که عین هم نیستن به چیزی میگیا؟!!!

نشانه‌های الهامی مثل ضمائر متصل (۳ - ت - مان - تان - شان) و نشانه‌های جمع (ها - ان - ین - ت) و یای نکره جزو ذات کلمه حساب نمی‌شن و

تأثیری در سافت جناس ندارند

بعضی کلمات دو قسمتی‌اند بعضی به قسمتی مثل راست (را + است) راست (جهت). این می‌تونند جناس تام بشن؟

نه ما به این می‌گیم جناس ناقص مرکب ولی طراح این سوال نموده ولی به عنوان تله‌ی تستی

مثال: هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست / ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست

دو کلمه راست به ترتیب (۱) جهت (۲) که را است که از آن کیست معنا می‌شود و نمی‌تواند جناس تام باشد

زیرنویس

کلمه‌ی بنات و نبات چرا جناس حساب شده تو کتاب؟

به این جناس فطری می‌گن که تو به نقطه با هم فرق دارند ولی چون کتاب اینا رو نگفته پس ما این کلمات رو جناس ناقص می‌گیریم

یه سوال دیگه هم بپرسم آفر همش با اینا تو تست مشکل داریم تالان با هالان می‌تونه تو بیت زیر جناس باشن؟

من به هر جمعیتی تالان شدم / هفت به هالان و فوش هالان شدم

نه نمی‌تونه به دو دلیل اول آن تالان جزو ذات کلمه شده که بهوش تو دستور تکواژ اشتقاقی می‌گن اما هالان باید با فوش هالان یا برهالان باشه و

نشان آن در فوش هالان و برهالان نشان جمع و جزو ذات کلمه حساب نمی‌شه (تو دستور زبان فارسی بهوش می‌گن تکواژ تصریفی)

جناس ناقص یا در یک حرف اختلاف دارند یا در یک حرف افزایش دارند عین هم باشه ولی مصوت‌هایش (ـِ) عین هم نباشند.

پس آشفته و آشفتن جناس هم است؟

نه! زیرا جناس چه تام باشه چه ناقص باید معنایشان متفاوت باشه

* تذکر: کلمات راز و زار - جنگ و گنج - مار و رام هم جناس هستند. که اصطلاحاً به آن‌ها جناس ناقص قلب می‌گویند.

اگر دو کلمه یک معنای واقعی فوراً داشته باشه و دومی معنای مجازی یا استعماری - می‌تونن با هم جناس باشن؟

ماشالله سوالات فیلی قوی شده بله می‌تونن جناس تام باشن برای توضیح بیشتر به مثال به افتخارت می‌زنم

به یاد لعل تو چشم مست می‌گونت / ز جام می‌لعل که می‌خورم خون است

لعل در مصرع اول استعاره از لب است و می‌لعلی یعنی می‌سرخ‌گون (لعل سنگ گران‌قیمت سرخ‌رنگ) و می‌توانند جناس تام باشند

می‌تونن دو کلمه هم سجع باشن هم جناس؟

آره عزیزم می‌تونن

مثال: به خواری محکوم و از عدالت محروم

جمع متوازی - جناس ناقص

منتهی حواست باشه جناس هر جا می‌تونه بیاد ولی سجع جایگاه خاص خود را داره (رجوع به مبحث سجع)

یا اینکه هم جناس تام باشند هم قافیه

مثال: بگفت از دل جدا کن عشق شیرین / بگفتا چون زیم بی جان شیرین

قافیه = جناس تام

(۱) به نام شخص (۲) جان عزیز

زیرنویس

اگر دو کلمه عین هم باشن ولی معنایشون فرق داشته باشه از دیدن ردیف و قافیه، قافیه است نه ردیف

* تذکر: اگر بلد نیستی دو کلمه‌ی آخر دو مصرع رو معنا کنی به کلمه‌ی قبلیشون (عشق - جان در مثال بالا) نگاه کن که

نمی‌تونن قافیه باشن و دو کلمه‌ی شیرین در مصرع قافیه هستند نه ردیف (شعر بدون ردیف می‌مونه اما بدون قافیه نه)

- یہ آرایہ داریم به نام تکرار اونم شبیه جناس تام - اون وقت من بطور اوتا را از هم تشفیص برم؟
- آقرین یہ پیڑھایی می دونی ها - آره تکرار هم دو کلمه عین هم ولی معنانش یکسانه
- فیلی کلمه داریم که عین هم با معنای متفاوت من بطور بفهمم؟ مگه من بقدر لغت مفظم؟
- لغات در هر معلومات کتاب مطرح می شه یا اگر در سوالات ترکیبی مطرح شد و نتونستی معنا کنی با جناس تام رد گزینه نکن.

زیرنویس

* تذکر: ولی کلمه‌ای که در پایه چهارم به دو شکل معنا می‌شن می‌شه در یک تقسیم‌بندی قرار داد.

مثال: شیرین (نام شخص مزه و جالب) خشت (نیزه - آجر)

چین (نام کشور - پیچ و تاب) قلب (دل - وسط لشکر)

کام (دهان - آرزو) عراق (نام سازی - کشور) مدام (شراب - پیوسته) لب (عضو بدن انسان - ساحل) بوم (جغد - سرزمین) خطر (خطرناک بودن - ارزش و اعتبار) دوش (دیشب - قسمتی از بدن) زال (پیر و ضعیف - پدر رستم) دستان (مکر و حيله - لقب زال پدر رستم) داد (فعل - عدل و داد) چنگ (پنجه - ابزار موسیقی) آهو (عیب - نام حیوانی) باز (نام پرنده‌ای - دوباره - گشاده) نای (همان نی - نام قلعه‌ای) که مسعود سعد سلمان در آن زندانی بود) روی (جهت و علت - صورت - نوعی فلز) راه (آهنگ - روش) رود (رودخانه - ابزار موسیقی) زه (کمان - آفرین) دارا (ثروتمند - نام دیگر پادشاه داریوش) خویش (خود - فامیل) بهشت (جنت - از فعل هشتن و رها کردن) عهد (پیمان - عهد دوران) تار (تاریک - تار و پود) ...

وای بقدر کلمه؟ اینهمه رو فقط کنیم؟

نه ولی به بار به قصد مطالعه بر نیست.

آخر	وسط	اول
کمان	بازار	کتاب
کمال	ببازار	شتاب
شفق	ناز	رنگ
شفقت	نیاز	فرنگ

ب) جناس ناقص به سه قسمت تقسیم می‌شود:

جناس ناقص } (الف) اختلافی
 } (ب) افزایشی
 } (ج) حرکتی: مهر | جُنگ
 مهر | جُنگ

موضوع پانزدهم < تضاد

تضاد (طباق = مطابقه)

وقتی بین دو کلمه یا بیشتر ضدیتی دیده شود

مثال: به شهر اندرون هر که برنا بدند / چو پیران که در جنگ دانا بدند

بین کلمه برنا (جوان) و پیران

بُرنا که مفرده و پیران که جمع؟

ایرادی ندارد در تضاد می‌تونه یکی مفرد باشد و دیگران جمع یکی صفت باشد یکی اسم، ...

مثال: عشق را خواهی که پایان بری / بس که بیسندید باید ناپسند

بیسندید فعل است و ناپسند صفت است.

* تذکر: جنسیت‌ها (مرد و زن) اگر پشت سر هم ذکر شوند تضاد ندارند.

مثال: از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

تناسب = مجاز

زیرا منظور شاعر نه مرد است و نه زن (بلکه کل مخلوقات منظور است)

* تذکر: تضاد معنوی: بعضی از کلمات به ظاهر متضاد نیستند بلکه شاعر یا نویسنده طوری کلمات را مقابل هم قرار

می‌دهد که با هم تضاد پیدا کنند (به یکی وجه مثبت می‌دهد و به دیگری وجه منفی)

مثال: گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم اوفتاد و زر شدم

بین کلمات سرخ و زرد - مس و زر

(یعنی اول سرخ بود بعد زرد شده / اول مس بوده بعد زر (طلا) شده)

مثال: مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی

بین کلمات مگس و عقاب (مگس را ضعیف و در مقابل عقاب را بزرگ و قوی جلوه داده است)

* تذکر: بعضی از کلمات هم تضاد هستند و هم تناسب

مثل کلمات: شب و روز / گل و خار

مثال: فریب جهان را مخور زینهار / که در پای این گل بُود خارها

تضاد تناسب

موضوع شانزدهم - مراعات نظیر (تناسب)

ارتباط دو یا چند کلمه از جهت «زمان، مکان، جنسیت، شباهت کاری ... را تناسب یا مراعات نظیر می‌گویند.

مثال: نجار - اره - تخته - چکش - میخ (رابطه‌ی کاری)

تیر و گز و خدنگ (از نظر رابطه‌ی جنسیت تیری که از جنس درخت گز یا خدنگ می‌باشد)

تاسوعا - عاشورا - کربلا (از نظر زمانی و مکانی)

مثال

مثال: در شعر:

می بهشت ننوشم ز جام ساقی رضوان / مرا به باده چه حاجت که مست بوی تو باشم

مثال: یکی بی‌زبان مرد آهنگر / ز شاه آتش آید همی بر سرم

بین کلمات «آهنگر و آتش» تناسب است.

* تذکر: بعضی از ابیات از چند جهت با هم تناسب دارند.

مثال: مزرعه‌ی سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

بین کلمات «مزرعه - سبز - داس - کشته - درو» مراعات نظیر است و بین کلمات «فلک و مه» هم مراعات نظیر می‌باشد.

* تذکر: بعضی از کلمات با هم تناسب شباهتی دارند.

مثال: کلمات قد و قامت و سرو / لب و لعل / چشم و نرگس

* تذکر: گاهی تناسب بین کلمات براساس تلمیحات و باور و سنت‌ها می‌باشد.

مثلاً بین فرهاد و شیرین - کوه بیستون و تیشه و ...

دیشب صدای تیشه از بیستون نیامد / گویا به خواب شیرین و فرهاد رفته باشد

یا بین کلمات حسین بن منصور - دار - انالاحق

چه فرهادها مرده در کوه‌ها / چه حلاج‌ها رفته بر دارها

بین کلمات: سعد و نحس - طالع و اختر (ستاره) (تأثیر ستارگان در نحس یا سعد بودن طالع انسان)

محبوسم طالع است منحوسم / غمخوارم و اختر است خونخوارم

بین کلمات آب و باد و خاک و آتش

آب چه داشت که او گوهر گوینده شود؟ / خاک چه دانست که او غمزه غمازه شود؟

موضوع هفدهم < اغراق (غلو - مبالغه)

بزرگ‌نمایی درباره موضوعی سبب اغراق می‌شود چیز کوچکی را بزرگ نشان دهیم (یا بالعکس)

مثال: با ساریان بگویند احوال آب چشمم / تا بر شتر نبندد محمل به روز باران

شاعر شدت اشک عاشق را به روز بارانی تشبیه کرده است که مانع از حرکت کاروان شده است.

مثال: گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را / از نازکی آزار رساند بدنش را

حساس بودن بدن معشوقه حتی نسبت به برگ گل سرخ

همون قالی‌بندی فورمونه ریگه مثلاً به کوپولوها می‌گن به دیوی بود که

موضوع نوزدهم < ترصیع

آرایه‌ی سجع و موازنه هر دو بجه‌ی سجع هستند با این تفاوت که در ترصیع تمام کلمات دو مصرع (یا دو جمله) هم هم‌وزن می‌باشند و هم در حرف یا حروف آخر یکسان هستند (یعنی دوبه‌دو با هم سجع موازی می‌باشند)

مثال: هم حرکاتش متناسب هم
برگ بی برگی بود ما را نوال
هم خطواتش متقارب به هم
مرگ بی مرگی بود ما را حلال

بقیه کلمه‌ها چی؟ اونها را پیکار کنیم؟
با کلمات عین هم در دو مصرع کاری نداریم

موضوع بیستم < موازنه

موازنه تمام کلمات دو مصرع (دو جمله) هم‌وزن می‌باشند بدون آن که در حرف یا حروف آخر یکسان باشند (یعنی سجع متوازن می‌باشند)

مثال: چرخ از چه رفیع خاک پایت / عقل از چه بزرگ طفل راحت

تذکره: در آرایه موازنه می‌تونه بعضی کلمات فقط هم‌وزن باشند بعضی کلمات هم هم‌وزن هم در حرف یا حروف آخر (یعنی ترکیبی از سجع متوازی و متوازن) یعنی آمیخته شدن ترصیع و موازنه را موازنه می‌گویند.

مثال: زشت باید دید و انگارید خوب

زهر باید خورد و انگارید قند = موازنه

مثال: جبریل مقیم آستانت

افلاک حریم بارگاهت

از ترصیع و موازنه هم سوال می‌یاد؟

نه پندران، معمولاً در تست‌های آمیخته یا ترکیبی سوال می‌یاد ولی در رشته‌ی انسانی خیلی بیشتر.

فیلی بالکلاس جواب می‌دی؟ یعنی طوری که می‌شه گفت فشکی

من آفرش نفهمیم که با تو باید بطور صرف زد

موضوع بیستم و یکم < واج‌آرایی (نغمه حروف)

آن است که یک حرف (چه صامت چه مصوت) چندین بار (حداقل سه بار) در یک بیت تکرار شود به طوری که بر آهنگ شعر بیفزاید.

مثال: خیزید و خز آرید که هنگام خزان است
(تکرار حرف «خ - ز»)

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق
(تکرار حرف «ش»)

* تذکر: حروف غالباً حروف صدادار مثل «خ - ش - ز - ...» می باشد.

* تذکر: واج آرایی در کسره (تتابع اضافات):

آن است که چند کسره پشت سر هم (حداقل سه کسره) ذکر شود.

مثال خوابِ نوشینِ بامدادِ رحیل بازدارد پیاده را ز سبیل

* تذکر: واج آرایی در ضمه هم می تواند ایجاد شود و آن زمانی است که چند حرف «واو» پشت سر هم ذکر شود.

مثال ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

موضوع بیستم و دوم < تکرار

آن است که یک کلمه چندین بار (حداقل دو بار) در یک بیت تکرار شود و معنایش هم باید یکسان باشد.

مثال از درد سخن گفتن و از درد شنیدن با مردم بی درد ندانی که چه دردی است

(تکرار کلمه درد)

* تذکر: فرق تکرار با جناس تام (همسان)

در آرایه تکرار معنا یکسان است اما در جناس تام معنا متفاوت است.

موضوع بیستم و سوم < تصدیر

نوعی تکرار است که دو کلمه تکراری یکی در آغاز بیت، و دیگری در پایان همان بیت تکرار می شود.

مثال آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست عالمی دیگر نباید ساخت و از نو آدمی

کلمه «آدمی» ← تصدیر = تکرار / عالم: تکرار

* تذکر: هر تصدیری تکرار است اما عکس مسأله صحیح نیست.

* تذکر: در آرایه تصدیر، دو کلمه تکراری می تواند در اوایل یا اواخر بیت باشد.

مثال سر الب ارسلان دیدی ز رفعت رفته بر گردون به مرو آ تا کنون در گل تن الب ارسلان بینی

موضوع بیستم و چهارم < اشتقاق

آن است که دو کلمه در سه حرف اصلی کلمه، مشترک باشند.

مثل: ظالم و مظلوم (ظلم) / کتاب و مکتب (کتب)